

ارزیابی انتقادی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی در پرتو جرم‌شناسی فرهنگی

سالار صادقی^۱ - عباسعلی اکبری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰)

چکیده

قوانین کیفری ایران بر این مسئله تأکید دارد که برای برقراری امنیت اخلاقی در جامعه باید با هرگونه روابط جنسی نامشروع و منافی عفت به شدت مبارزه کرد و برای چنین جرایمی ضمانت‌اجراهای کیفری مقرر کرده است. اما نتیجه‌ای که از این سیاست کیفری سخت‌گیرانه حاصل شده است، افزایش روزافزون این جرایم در جامعه به خصوص بین جوانان است و به نظر می‌رسد چنین جرایمی به فرهنگ یا خرده‌فرهنگ در بین جوانان تبدیل شده است. لذا این قوانین به جدال با فرهنگ و خرده‌فرهنگ نسل جدید برخاسته‌اند که نتیجه آن متروک شدن این قوانین است. بر اساس این، مقاله حاضر درصدد ارزیابی انتقادی سیاست کیفری ایران در قبال انحرافات و جرایم جنسی و ارائه راهکارهای قانونی برای حل بحران جنسی در ایران با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و فقه اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرکوب، جرایم جنسی، حقوق کیفری، آنومی جنسی، جرم‌شناسی فرهنگی

مقدمه

افزایش روزافزون جرایم و انحرافات جنسی در جامعه امروز ایران مسئله‌ای است که ذهن اندیشمندان و خانواده‌ها را به خود مشغول کرده است. امروزه شاهد شکل‌گیری انواع خاص انحرافات جنسی و جرایم منافی عفت در ایران هستیم که می‌تواند ریشه روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. علاوه بر جرایم سنتی جنسی مانند زنا، محصنه، هم‌جنس‌گرایی و قوادی و روابط نامشروع، برخی انحرافات جنسی دیگر نیز ایجاد شده است که دور از

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و مدرس دانشگاه، نویسنده مسئول،
Email: salar.n1371@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی و مدیرگروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

شأن جامعه اسلامی می‌باشد مانند روابط جنسی «ضربدری»^۱. ازدواج سفید یا هم‌باشی^۲ و مجرد قطعی و خیانت نیز رو به فزونی است که پیامدهای آن ارتکاب جرایم جنسی است. از این رو جامعه ایران اکنون با یک بحران جنسی روبه روست. اما سیاست کیفری ایران در برابر چنین انحرافات، سیاست سرکوب و کیفر است. قوانین کیفری ایران همه مجرمان و منحرفان جنسی را با یک چوب می‌راند و خواستار کیفرهای شدید بر آنهاست. در نظر قانونگذار، اولین راه حل، مداخله حقوق کیفری است. لکن نتیجه حاصل از این سرکوب، معکوس بوده است و چنین انحرافات و جرایمی نه تنها کاهش نیافته، بلکه در حال افزایش است. خانواده‌ها و مسئولان نیز در برابر این انحرافات سکوت می‌کنند و پژوهشگران با آرامش خاطر و به راحتی نمی‌توانند این مسائل را بررسی کرده و راهکار ارائه کنند. لذا انجام پژوهش علمی و بی طرف برای حل چنین مسائلی برای اصلاح سیاست کیفری ایران ضروری به نظر می‌رسد.

جامعه علمی کشور این بحران را تأیید کرده و بر وجهه فرهنگی چنین مسائلی تأکید دارد. در میزگرد «بررسی و ارائه راهکار برای بحران جنسی موجود در جامعه» در اردیبهشت ۱۳۹۷ یکی از اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد بیان داشت که «در حوزه مسائل جنسی با توجه به تابو بودن آنها، کارهای پژوهشی اساسی انجام نمی‌شود و در این زمینه با خلأ شناختی مواجه هستیم. بسیاری از مسائلی که از آنها تحت عنوان اختلال نام می‌بریم، الگوهای رفتاری آینده جامعه هستند. برخی از این موارد، روند طبیعی تغییرهای اجتماعی است که جامعه ما با آن مواجه بوده و است، اما در حال حاضر غیرطبیعی تلقی می‌شوند.» نهایتاً در این نشست درباره بحران جدی انسانیت در آینده خبر داده شد (ایسنا، ۱۳۹۷، ۱).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ طی گزارش‌هایی اعلام کرد، روابط جنسی نامشروع در حد نگران‌کننده‌ای افزایش یافته و یکی از راه‌حل‌های اساسی، ازدواج موقت است (آفتاب‌نیوز، ۱۳۹۶، ص ۱). ۱۰۵۰۴۶ دانش‌آموز یعنی ۷۴ درصد، رابطه غیرمجاز با جنس مخالف داشته‌اند. تعداد ۲۴۸۸۹ نفر که ۵۰۱۷ درصد دانش‌آموزان مورد تحقیق را دربرمی‌گیرد، هم‌جنس‌گرا بوده و ۱۱۶۸۲ نفر یعنی ۲۸ درصد نیز خودارضایی می‌کرده‌اند؛ سن روسپی‌گری به ۱۵ سال رسیده است. ۸۰ درصد دختران مورد پرسش در چند دبیرستان دخترانه تهران گفته‌اند که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند (جماران، ۱۳۹۳، ص ۱). برخی با بیان آژیر قرمز بحران جنسی، از احتمال وقوع انقلاب جنسی^۳ در ایران خبر داده‌اند. بحران جنسی مقدمه انقلاب جنسی است؛ در واقع انقلاب جنسی زمانی برای آزادسازی جنسی است که کلیشه‌های سنتی جنسی جامعه به مؤلفه‌های دیگری تبدیل شود. عدم تمایل زوجین به فرزندآوری، سقط جنین، خیانت، تمایل ارتباط با حیوانات و هم‌جنس‌گرایی، از ویژگی‌های بحران جنسی در کشور است. برخی کارشناسان حوزه اجتماعی معتقدند که سازمان‌های اجتماعی، هنجار درستی برای نیاز جنسی تعریف نکرده و جامعه با وضعیت به‌هم‌ریخته‌ای روبه‌روست. راه‌حل گذار از این بحران، ورود روشنفکران و متخصصان اجتماعی به این بحث با حمایت‌های دولتی است. این افراد باید بدون شعارزدگی با این مسئله برخورد و در مورد آن بحث کنند. اگر مثل گذشته نهادهای اجتماعی در برخورد با این‌گونه آسیب‌ها متوسل به سیاست‌های فرهنگی سفت و سخت شوند، نمی‌توان به راحتی از بحران جنسی موجود در جامعه عبور کرد (هشترودی، ۱۳۹۷، ص ۱). اخیراً مستندی با عنوان «انقلاب جنسی» به کارگردانی حسین شمقدری با ارائه گزارشی از وضعیت روابط جنسی در غرب برای اولین بار ذهن مخاطب ایرانی را با این مسائل آشنا کرده است. در برخی از

۱. رابطه‌ای که مرد یا زن خواستار رابطه جنسی همسر خود با شریک دیگر است. (Swinging, Swapping)

2. Cohabitation

3. Sexual Revolution

بخش‌های این مستند، شاهد مصاحبه کارگردان با دختران و پسران آلمانی و هلندی درباره وفاداری به شریک جنسی در عین آشنایی و ارتباط آزادانه و پایبندی اخلاقی به عفاف در عین آزادی هستیم و سازندگان این مستند به طور ضمنی این‌طور نتیجه گرفته‌اند که رابطه جنسی آزاد در جامعه لزوماً به معنای از بین رفتن عفت و اخلاق نیست و راهی که غرب در این خصوص طی می‌کند، نزدیک‌تر به آموزه‌های اسلامی است؛ چون اسلام درباره روابط جنسی - برخلاف مسیحیت - سختگیر نیست اما کشور ایران در این باره به دور از آموزه‌های اسلامی است، زیرا امکان رفع نیازهای جنسی برای بسیاری از افراد - غیر از دواج دائم - وجود ندارد.

در بین کشورهایی که در تماشای صفحاتی با محتوای پورن رتبه‌های یک تا ده جهان را کسب کرده‌اند، ایران رتبه چهارم را دارد. بی‌بندوباری‌های جنسی ناشی از سرکوب‌های شدید جنسی است که موجب جولان دادن گرسنگان جنسی در جامعه می‌شود. با وجود همه هزینه‌های صورت گرفته، نه تنها بی‌بندوباری جنسی در کشور از میان نرفته، بلکه شاهد بروز انواعی از خشونت‌های جنسی هستیم (تیبان، ۱۳۹۶). ریشه اصلی این بحران‌های جنسی در جامعه، رفع نشدن نیاز جنسی از راه عادی و طبیعی (مشروع) و سرکوب این نیاز است.

از این هشدارها از لحاظ تحلیل حقوقی می‌توان نتیجه گرفت که اولاً، جرایم جنسی در ایران دچار رقم سیاه است؛ یعنی بیشترین آمار جرایم نامکشوف را به خود اختصاص داده است. این جرایم یا به ضابطان و مقامات قضایی گزارش داده نمی‌شود یا اینکه از دید عموم پنهان می‌ماند؛ ثانیاً، جرایم جنسی در ایران به مسئله‌ای عادی و به نوعی فرهنگ و سبک زندگی تبدیل می‌شود. از این رو می‌توان گفت اکنون مثلاً هشتاد درصد جوانان فلان شهر مجرم هستند چون مردم خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌بینند. لذا همان‌طور که امیل دورکیم گفته است، جرم به پدیده‌ای عادی و بهنجار تبدیل شده و ممکن است موجب قبح‌زدایی از جرم شود.

جرم‌شناسی فرهنگی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی معاصر است که می‌تواند در این بحث مورد استفاده قرار گیرد چون جرایم جنسی امروزه متأثر از فرهنگ هستند. این جرم‌شناسی بر گفتمان‌های فرهنگی غالب در تدوین قوانین و همچنین فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و سبک زندگی در ارتکاب جرایم تأکید می‌کند و معتقد است ارتکاب جرایم، ناشی از سبک زندگی و تغییرات فرهنگی در جامعه است.

بدیهی است که در کوتاه‌مدت تنها ابزار دست‌اندرکاران قانونی و قضایی، ضمانت‌اجرای کیفری است اما این روش در بلندمدت اثر معکوس دارد که امروزه شاهد آن هستیم. افزایش غیرعادی جرایم جنسی در ایران می‌تواند این نکته را گوشزد کند که تدابیر کیفری تاکنون کارساز نبوده و نیازمند اصلاح است. جامعه و فرهنگی که اکنون در ایران وجود دارد، نه از ساختار غربی تبعیت می‌کند نه از ساختار اسلامی. بنابراین با توجه به اینکه اولین راه‌حل بحران جنسی در ایران، سرکوب کیفری بوده و نتیجه‌ای نداشته است، از این رو لازم است مقررات مربوط به جرایم جنسی در ایران مورد بازبینی قرار گیرد که در این مقاله به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

مقاله حاضر درصدد بررسی این است که سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی چه ایرادات و مشکلاتی دارد و در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی چگونه باید اصلاح گردد؟ روش تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر اصول و یافته‌های علم حقوق، جرم‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. در رابطه با این موضوع آزادی علمی چندانی وجود ندارد اما سعی بر این است که با صراحت این موضوع مورد واکاوی قرار گیرد. تلاش می‌شود که با در نظر گرفتن واقعیات اجتماعی روز و با رویکردی نو و استفاده از اصول حقوقی، فقهی و جرم‌شناختی به تحلیل این مسئله پرداخته شود و راهکار جدیدی برای اصلاح سیاست کیفری ایران در این خصوص پیشنهاد گردد. از منظر تطبیقی نیز به سیاست کیفری برخی کشورهای غربی در برابر جرایم جنسی اشاره‌ای خواهیم داشت و البته، رویکرد اسلام به جرایم جنسی را نیز با نگاهی تازه بررسی خواهیم کرد.

۱- حمایت کیفری از امنیت اخلاقی: مبنایی برای جرم‌انگاری جرایم جنسی (با نگاهی تطبیقی)

اصولاً امنیت و اخلاق به دو حوزه جداگانه تعلق دارند. امنیت به دنبال ایجاد سازوکاری برای حفاظت عمومی از خطرات و تهدیدات است؛ در حالی که اخلاق درباره باید و نباید رفتار فردی است. اخلاق بیشتر با امور ذهنی سروکار دارد تا امور عینی. مسئله این است که آیا امنیت می‌تواند اخلاق ایجاد کند؟ به عبارتی، سازوکارها و تدابیر امنیتی یعنی نهادهای قانونی، انتظامی و نظامی که عهده‌دار امنیت هستند، می‌توانند با تحمیل اخلاق بر مردم، آنان را اخلاقی‌تر سازند؟

حوزه دخالت حقوق کیفری برای تنظیم اخلاق و عفت عمومی در حقوق ایران گسترده است. در حالی که در نظام‌های حقوقی عرفی، حوزه اخلاقی جامعه تا زمانی که بحث ضرر به حقوق دیگران را در پی نداشته باشد، از مداخله دولت به دور است. در حقوق عرفی حوزه اخلاق الزاماً حوزه مداخلات حقوق نیست. اما با توجه به هنجارهای اسلامی در ایران، روابط جنسی توأم با رضایت نیز جرم‌انگاری شده است. این مداخله کیفری به مداخلات حکومت هم بسنده نکرده بلکه حتی به افراد عادی هم اجازه مداخله در این موارد را داده است که مواد ۳۰۲ و ۶۳۰ ق.م.ا. مصادیق آن هستند (آقابابایی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵). تحقیق در نظام قانونگذاری ایران در رابطه با جرم‌انگاری رفتارهای خلاف اخلاق و عفت عمومی، در ابتدای امر با این دشواری روبه‌روست که قانونگذار ایران، به هنگام جرم‌انگاری رفتارهایی که در فقه جزایی امامیه گناه محسوب شده و برای آنها کیفر معین در نظر گرفته شده، هیچ توجهی به مبانی جرم‌انگاری این رفتارها ندارد و در نتیجه برای یافتن این مبانی، باید به متون دینی و روایت‌های منقول از معصومین مراجعه کرد؛ امری که با توجه به عدم دسترسی به معصوم در عصر حاضر و بیان نشدن مبانی جرم‌انگاری بسیاری از رفتارها در اقوال معصومین در سایر عصور با مشکلات جدی روبه‌روست (ورورایی، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

پس چرا برای برقراری اخلاق در جامعه باید تدابیر امنیتی و نیروهای نظامی آنچنان در فضای جامعه فعالیت کنند که گویی حادثه‌ای تروریستی رخ داده است؟ ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه صرفاً با اهرم کیفر و تدابیر امنیتی نمی‌تواند کارساز باشد و کنترل‌های اضافی و مکررانه خود ممکن است به ناامنی دامن بزنند. سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی تدابیری را در سه گام طولی طراحی کرده است: در گام نخست با تدابیری منطبق بر جنبه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی غریزه جنسی بالا می‌برد و یک نیروی کنترل درونی در افراد ایجاد می‌کند تا بدون نیاز به نیروی کنترل بیرونی، از ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی دوری گزینند؛ در گام بعدی می‌کوشد با سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز عکس‌العمل تدافعی برای افراد در معرض تعرض، اشخاص در مظان ارتکاب جرم را از اجرایی کردن افکار مجرمانه خود بازدارد و در گام سوم، به عنوان آخرین راه، با وضع تدابیر کیفری متناسب با انواع جرایم جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم، درصد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است. (محمدی جورکویه، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷-۱۱۵). اما قوانین ایران در اولین گام می‌خواهد با تدابیر کیفری با جرایم جنسی مقابله کند که بدیهی است تأثیری در کاهش این جرایم ندارد.

بند یک اصل سوم قانون اساسی، دولت را به ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا موظف کرده است. لذا طبق این اصل، رشد فضایل اخلاقی صرفاً با ابزار و مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی کیفر ممکن نیست بلکه ایجاد محیطی بر اساس ایمان و تقواست که فضایل اخلاقی را تقویت می‌کند. تنها

راه مبارزه با ناامنی اخلاقی، فقط حقوق کیفری نیست بلکه حقوق کیفری آخرین راه چاره است زیرا تاکنون منجر به از بین رفتن فساد و تباهی نشده است. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مبارزه با فساد و تباهی، تصویب قوانین عادلانه‌ای است که مفسده‌انگیز نباشند. بنابراین ضرورتی ندارد حقوق در تمام حوزه‌های اخلاقی وارد عمل شود و با ضمانت‌اجرای قانونی سعی در اجرای قواعد حقوقی کند.

اهتمام اسلام بر حفظ فضای معنوی جامعه و نظام ارزشی آن، با جرم‌انگاری رفتارها و اعمال تعزیر و مجازات ملازمه ندارد. لذا جرم‌انگاری حداقلی با آموزه‌های قرآنی هم سازگار است. در قرآن کریم دعوت به سوی خدا و معنویت‌ها با رعایت حکمت، موعظه و جدال نیکو همراه شده و بر جرم‌انگاری تأکید نشده است. قرآن در حوزه جرایم جنسی تنها مجازات زنا را تصریح کرده است از این رو جرم‌انگاری حداکثری برای کشف، تعقیب و مجازات در جرایم جنسی و منافی عفت با آموزه‌های قرآنی و حفظ کرامت انسانی سازگاری ندارد. چنین روشی برای قانونگذار مفید است تا با ایجاد بسترهای فرهنگی، به راهکارهای غیرکیفری اندیشیده شود (مهریزی و دانش‌پژوه، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳). استدلال کشورهای لیبرال این است که دولت نباید در زندگی شخصی روزانه افراد مداخله کند و «حق بر مجازات نشدن» و «دولت محدود» از اصول اساسی این کشورهاست. قوانین مربوط به جرم‌انگاری اعمال جنسی، منسوخ بوده و یادآور رمان‌های قرن نوزدهم است و نوعی قانونگذاری اخلاق محسوب می‌شود. لذا چرا باید دولت نگران امور جنسی توأم با رضایت افراد در اتاق خواب باشد؟ (https://en.wikipedia.org/wiki/Adultery#cite_note-217)

به عقیده دکترین حقوقی لیبرال، زشت بودن عمل برای برخورد کیفری با آن کافی نیست. زیرا زشت بودن عمل فقط با مقیاس معیارهای اخلاقی قابل اثبات است و حال آنکه الزام قانونی اخلاق ممکن نیست. یعنی نمی‌توان با توسل به حقوق کیفری درصدد الزام اخلاق و ارزش‌های اخلاقی برآمد. به همین دلیل هم طبق اندیشه لیبرال، جرم‌انگاری هزینه‌نگاری یا پورنوگرافی نه تنها ممکن نیست بلکه با توجه به تضاد آن با آزادی بیان و مطبوعات برخلاف ارزش‌های لیبرال است (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۲۳۸-۲۲۷). دیدگاه لیبرال این است که دولت در برابر اخلاق وظیفه‌ای ندارد اما ممکن است یک فعل یا صفت اخلاقی را از حیث اجتماعی مدنظر قرار دهد. از این رو، دولت‌ها باید هنگام جرم‌انگاری اعمال ضد اخلاقی دقت کنند که فعل موردنظر داخل در قلمرو آزادی و حریم خصوصی نباشد. نمی‌توان صرفاً به این علت که فعلی از منظر اخلاقی برای شخص مضر است یا عقوبت اخروی دارد، اقدام به جرم‌انگاری نمود. در این صورت حمایت مدنی در تبعیت از این گونه قوانین فراهم می‌گردد و نافرمانی‌های مدنی در جامعه بروز نمی‌کنند. لذا اگر راهی غیرسرکوب‌گرانه وجود دارد نباید از الزامات قهری بهره برد (خدابخشی، ۱۳۹۰، ص ۱۰). از این رو، در نظام حقوقی غرب، کنترل یک رفتار صرفاً به این دلیل که بر اساس معیارهای پذیرفته شده یک جامعه، غیر اخلاقی است، وظیفه حقوق کیفری نیست. آنچه در حریم خصوصی خانه کسی انجام می‌شود تا زمانی که به دیگری آسیب نرساند ربطی به دولت ندارد. افراد حق دارند موضوع برخوردهای سخت و بدنام‌کننده از سوی دولت قرار نگیرند. هرگونه تلاش برای توجیه قوانینی که افراد را موضوع مداخله کیفری دولت قرار می‌دهد باید برای لغو حق مجازات نشدن کافی باشد (محمودی جانکی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). حق بر مجازات نشدن را می‌توان با اصل اباحه در فقه اسلام تطبیق داد. در حقوق غرب که منبع شرعی برای جرم‌انگاری وجود ندارد، برای مداخله کیفری باید استدلال‌های قوی و قابل توجیه بیان شود و اگر چنین دلایلی وجود نداشته باشد، عمل جرم‌انگاری نمی‌شود. چون امروزه دوران حق‌مداری است تا تکلیف‌مداری و گستره حق‌ها روزه‌روز افزایش می‌یابد. البته این حق‌مداری زمانی که منجر به آسیب و تهدیدی برای امنیت جامعه شود، جرم‌انگاری می‌شود.

برای مثال، در سال ۲۰۱۳ در سوئد دادگاه مردی را که کنار ساحل اقدام به خودارضایی کرده بود، محکوم نکرد زیرا به گفته دادگاه «وی عمل جنسی خود را نسبت به شخص معینی هدف قرار نداده است» (<https://www.independent.co.uk/news/world/europe/swedish-court-rules-that-it-is-okay-to-masturbate-in-public-8826589.html>, 2013. Accessed August 2018). به عبارتی، این عمل به هیچ کس ضرر نرسانده است و از جرایم بدون بزه دیده است. پس در جرایم جنسی شرط است که شخص یا اشخاصی هدف قرار گرفته باشند و تعرض و آسیب جسمی یا حیثیتی به آنها وارد شود. البته جرم نبودن عمل به این معنی نیست که وی را رها کنیم چون این عمل در ملأعام می‌تواند یک انحراف باشد. به هر حال ملاک جرم‌انگاری جرایم جنسی در گفتمان غربی عنصر رضایت است و اگر این عنصر وجود نداشته باشد، رفتار دارای کیفر است که حتی رابطه جنسی با همسر بدون رضایت وی جرم محسوب می‌شود.

اعمالی چون «برهنگی در انظار عمومی»^۱، «سکس در ملأعام»^۲ در کشورهای انگلستان، آمریکا، استرالیا و کانادا با تفاوت‌هایی جرم‌انگاری شده است و «جریحه‌دار کردن عفت عمومی»^۳ در انگلستان و ولز جرم می‌باشد. «بی‌دی‌اس‌ام»^۴ به رفتارهای سادیستی و مازوخیستی گفته می‌شود که در طول رابطه جنسی توسط فرد سادیست (دگرآزار) بر فرد مازوخیست (خودآزار) اعمال می‌شود و شامل تحقیر و یا آزارهای جسمی و روانی است و رابطه توافقی و مبتنی بر رضایت است. بی‌دی‌اس‌ام در کشورهایی چون کانادا، آلمان، ایتالیا، سوئد و سوئیس جرم نیست اما در انگلستان و برخی ایالات آمریکا جرم‌انگاری شده است و این روابط در ملأعام و با نابالغان جرم است (Barker, Lantaffi and Gupta, 2007). اما در انگلستان در پرونده‌هایی چون *R v Brown* (1994) و در آمریکا در *Doe v. George Mason University* (2016) جرم محسوب شده است.

همچنین اخیراً زنا (روابط افراد متأهل) در دو کشور کره جنوبی و هندوستان جرم‌زدایی شد. در کره جنوبی در سال ۲۰۱۵ دیوان عالی سئول قانون ۱۹۵۳ را باطل اعلام کرد و بیان داشت: «حتی اگر زنا غیراخلاقی باشد، قدرت دولت نباید در زندگی خصوصی افراد مداخله کند ... و حق تعیین سرنوشت شامل حق انتخاب شریک جنسی می‌شود ... همچنین جامعه کره به اندازه کافی متحول شده و سال ۲۰۱۵ سال ۱۹۵۳ نیست» (<https://edition.cnn.com/2015/02/26/asia/south-korea-adultery/index.html>). دیوان عالی دهلی نو در هند نیز در سال ۲۰۱۸ قانون دوران استعمار انگلیس که زنا را جرم‌انگاری کرده بود، باطل اعلام نمود. بدین ترتیب این دو کشور با به روز کردن قوانین گذشته و متناسب نمودن قوانین با تحولات اجتماعی و فرهنگی روز، موجب تحول نظام حقوقی خود شدند. امروزه در قوانین کیفری اکثر کشورها از جمله تمام کشورهای اتحادیه اروپا، کشورهای آمریکای لاتین، چین، ژاپن و استرالیا زنا جرم نیست. البته گاهی از ضمانت‌اجرای مدنی استفاده شده است؛ مثلاً در چین زنا زمینه‌ای برای طلاق است.

در این نظام‌ها که منشأ حقوق، اراده، خرد و خواست جمعی است، بنیان و اساس قوانین ناشی از تبلور توافق جمعی است و خواست اجتماعی در وضع قوانین نمود واقعی دارد. لذا در این نظام‌ها موضوعات حقوق کیفری بر اساس خواست و اراده عمومی میانگین شهروندان تعیین می‌شود و حاکمیت با هرگونه اعتقادی مداخله‌ای در افزایش و کاهش سیاهه جرایم ندارد. به این‌سان، قوانین برای تأمین مطالبات شهروندان، به سهولت قابل تغییر و تحول هستند (جوانمرد، ۱۳۹۵، ص ۳۲).

1. Indecent Exposure
 2. Public Sex
 3. Outraging Public Decency
 4. BDSM =B/D (Bondage and Discipline) S/M (Sadism and Masochism)

امروزه رابطه آزاد بین زن و مرد مجرد^۱ تنها در ۱۲ کشور دنیا جرم است که عبارت‌اند: از پاکستان، افغانستان، ایران، کویت، مالدیو، مراکش، عمان، موریتانی، امارات متحده عربی، قطر، سودان و یمن. در بقیه کشورها این عمل با هیچ‌گونه واکنشی مواجه نیست و امری کاملاً عادی و طبیعی است.

باید اشاره کرد که امروزه انحرافات و ناهنجاری‌های جنسی (پارافیلی) در علم روان‌شناسی و سکس‌شناسی طبقه‌بندی شده است که از مهم‌ترین آنها بچه‌بازی (پدوفیلیا)، مازوخسیم، سادسیم، حیوان‌دوستی، مرده‌خواهی و عورت‌نمایی است. سیاست جنایی کشورها در برخورد با این انحرافات همیشه به صورت کیفری نیست و در اکثر کشورها مداخلات روان‌شناختی در این زمینه‌ها صورت می‌گیرد مگر اینکه به دیگری آسیبی وارد شود و مایه آزار دیگران شود. اما رابطه جنسی زن و مرد مجرد همراه با رضایت آنها پدیده‌ای کاملاً عادی و بهنجار می‌باشد، لذا نباید با آن هیچ‌گونه برخورد کیفری یا روان‌شناختی صورت گیرد. بدین‌سان روابط آزاد بین دختران و پسران مجرد موجب اخلاق در امنیت اخلاقی جامعه نخواهد بود، چون چنین روابطی صرفاً در پی ارضای نیازهای انسانی، عاطفی و جنسی هستند و قصد برهم زدن امنیت جامعه و تغییر و براندازی ارکان نظام اسلامی را ندارند.

در رویارویی با ناهنجاری‌های اجتماعی، جرم‌انگاری آخرین سلاح است. چون مجازات به دلیل اینکه در ذات خود خشن و بد است همواره نیازمند توجیه کافی است. این «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری» است که از مستندات عقلانی، اخلاقی و اسلامی برخوردار است. به همه هنجارهای اخلاقی نمی‌توان صورت قانون - آن هم قانون جزایی - داد. در این صورت در گام نخست این اخلاق است که آسیب می‌بیند. اسلام هم در آموزش ارزش‌ها و اعلام آنها بر جرم‌انگاری تأکید نمی‌کند (نوبهار، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

به همین دلیل مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیق در جرایم منافی عفت اصلاً ممنوع است مگر در موارد استثنا (وجود شاکه خصوصی، ارتکاب به عتف و سازمان‌یافته بودن) و اصل بر بزه‌پوشی در این نوع جرایم می‌باشد. «شارع مقدس اسلام بر اغماض و چشم‌پوشی از این جرایم تأکید دارد و توبه و ندامت درونی را بر مجازات ظاهری ترجیح می‌دهد. از طرفی حیثیت و آبروی اشخاص، گوهر گران‌بهایی است که هیچ هم‌سنگی جز حرمت کعبه ندارد و در حفظ آن باید کوشش کرد.» (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۳۱۲)

بسیاری از فقهای امامیه مانند علامه حلی قائل به تعطیل حدود بوده و گفته‌اند اقامه حدود شرعی از امور مختص به معصومین (ع) است. این نظریه واجد توجیه اجتماعی است زیرا اسلام دارای ابعاد مختلف تربیتی، اخلاقی و اجتماعی است. آیا در زمان ما با اجرای حد شرعی بر زنی که برای سیر کردن شکم فرزندانش تن به عصیان داده، خانواده‌ای را به آغوش فساد و تباهی نمی‌کشیم و آیا در چنین مواردی دفع فاسد به افسد نمی‌کنیم؟ امام علی (ع) برای حفظ بچه شیرخوار حد را اجرا نمود، آیا فقهای عادی مجازند در این موارد تصمیم بگیرند؟ (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۲۹۶). حال اگر برای پیشگیری از فساد در جامعه اولین راه‌حل را اقامه حدود و کیفر بدانیم، نه تنها فساد از بین نمی‌روند بلکه فسادهای دیگری نیز رشد خواهند کرد.

از طرفی اگر انجام عملی مایه بی‌زاری از دین و سبب حرج مسلمانان و یا جامعه اسلامی شود مانند اینکه مسلمانان به دلیل پایبندی به برخی احکام شریعت در زندگی اجتماعی خود دچار حرج و سختی گردند، جایز نیست. چنانچه اجرای حکمی از شریعت مستلزم روی گردانی مردم از اصل دین باشد، شارع حکیم نه تنها بر اجرای آن اصرار نمی‌ورزد که راضی به اجرای آن نخواهد بود (نوبهار، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴-۱۳۷). بنابراین ضرورتی ندارد فقط با کیفر و سرکوب، جامعه را اخلاقی کنیم. زیرا کیفر روابط جنسی توأم با رضایت جوانان امروزه در ایران منجر به روی گردانی از دین اسلام می‌شود که شارع به آن راضی نیست.

ایران یکی از دوازده کشوری است که هرگونه رابطه دختر و پسر مجرد را در ماده ۶۳۷ ق.م.ا جرم‌انگاری کرده است. از منظر ریشه فقهی، این جرم در قرآن نیامده است و هیچ دلیل روایی در این خصوص وجود ندارد فقط به مصادیق اعمال منافی عفت غیر از زنا در روایات و نظر فقها اشاره شده است. این ماده برای هردو جرم مذکور مجازات تا ۹۹ ضربه تعیین کرده است که به لحاظ شدت در قیاحت عملی منافی عفت غیر از زنا، دور از عدل و انصاف است. مصادیق این جرم تمثیلی است که شامل هرگونه تقبیل، مضاجعه، معانقه، مکالمه، مصافحه، مکاتبه و اختلاط می‌گردد (قدسی و پورزرین، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶-۱۵۶). در مورد این جرم، رویه قضایی ایران رویکرد واحدی اتخاذ نکرده است. در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی ارتباط تلفنی و مکاتبه‌ای و صرف خلوت کردن زن و مرد نامحرم را جرم نمی‌داند اما در اواخر دهه ۸۰ و ۹۰ ارتباط تلفنی و مجازی را که محتوای جنسی داشته باشد، جرم می‌داند (جوانمرد، ۱۳۹۵، ص ۳۱).

از منظر روایی فقط مصادیقی از روابط غیر از زنا در روایت ذکر شده که نمی‌توان آنها را به همه موارد مشابه تسری داد. روایاتی که در این خصوص موجود است معمولاً در پاسخ به سؤالات اشخاص ذکر می‌شد که در متن اجتماعی و فرهنگی آن جامعه قابل فهم بود. لذا لازم به ذکر است متون دینی را باید با توجه به بسترها و تحولات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمان و مکان تفسیر کرد که خاصیت فقه پویای شیعه همین است. رابطه نامشروع در دسته گناهان کبیره هم نیست. دلیل عقل هم دارای چالش است چون امروزه با پیشرفت فناوری و علوم و رعایت اصول می‌توان از بیماری‌های مقاربتی جلوگیری کرد و نسب افراد را تعیین نمود. اما مورد فروپاشی خانواده در اثر این جرم بحثی است که باید در حوزه جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. در شرایط فعلی به دلایل اقتصادی امکان تشکیل خانواده برای بسیاری از جوانان ممکن نیست و عملاً خانواده نزدیک به فروپاشی است. لذا جلوگیری از وقوع جرم روابط نامشروع به معنای حفظ کیان خانواده نیست. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، این جرم در ایران دارای رقم سیاه بالایی است و افراد زیادی آن را دارای قبح ذاتی نمی‌دانند و امری عادی و طبیعی تلقی می‌کنند. بنابراین عامل اصلی فروپاشی خانواده را شرایط نامساعد اقتصادی جامعه سبب می‌شود نه ارتکاب جرم رابطه نامشروع.

طبق مبانی فقهی، تعزیر برای گناهان و تخلفات به عنصر مصلحت بستگی دارد. تعزیر موکول به امام است و اگر تعزیر را به مصلحت بدانند انجام می‌دهد و اگر ترک آن را مصلحت بداند از تعزیر خودداری می‌کند. لذا تعزیر بیش از آنکه دایره مدار گناه باشد، تابع مصلحت است. رعایت مصلحت در تعزیر به معنای در نظر گرفتن خرد جمعی و بهره‌گیری از نظر کارشناسان در جرم‌انگاری است. جرم قلمداد کردن تمام گناهان به تورم کیفری می‌انجامد و وقتی بسیاری از امور جرم باشند، به دنبال آن مجازات، در ذهن و باور تابعان قانون امری عادی یا شبه‌عادی می‌شود و از قبح جرایم کاسته می‌شود. شارع اسلام در کنار کیفر به حفظ حرمت و عرض افراد هم تأکید نموده است که راه‌های اثبات جرایم جنسی مؤید این امر است (نوبهار، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰). لذا روایاتی که مقدار مجازات در تعزیرات را معین نموده است از جنس احکام حکومتی است که با تغییر زمان و مکان قابل تغییر است و واگذاری تعزیر و کیفیت و مقدار آن به امام و حاکم بر این امر صحه می‌گذارد. چنین احکامی بر پایه مصلحت و منافع جامعه استوار است. تحولات فرهنگی جوامع می‌تواند دلالت متون دینی و غیرو دینی آنها را دستخوش تحول سازد. مسلمانان می‌توانند و بلکه موظفند در هر عصر، «عدالت» عینی مصداق‌های اثباتی و سلبی دین را اساس سازمان‌دهی عادلانه اجتماعی خود قرار دهند. زیرا آنچه حکومت‌ها به کار می‌گیرند، اموری بشری هستند که با عقل و تجربه انسان تأسیس می‌شود اما اوامر و نواهی خداوند به وسیله انسان شنیده می‌شوند و نه تأسیس. حکومت‌ها حتی اگر متعهد به عمل به اوامر و نواهی الهی در امور اجتماعی و سیاسی باشند، این

تعهد آنها و همه پیامدهای آن اموری بشری است. این کار نقطه مقابل اطاعت از اوامر و نواهی الهی نیست بلکه مقتضای آن یعنی الزام به عدالت و اجتناب از ظلم است (مجتهد شبستری، ۱۳۷۸، ص ۱۲). از طرفی امکان تبدیل مفهوم متون در طول تاریخ زندگی اجتماعی یک اصل مهم در زبان‌شناسی و هرمنوتیک مدرن است. لذا قانونگذاران باید قوانین مجازات را با توجه به تغییرات اجتماعی که به دولت - ملت شدن جامعه ما منتهی شده، برمبنای پاسداری از عدالت تدوین کنند نه برمبنای زندگی‌های قبیله‌ای گذشته (سایت رسمی مجتهد شبستری، ۱۳۹۳). پس در اجرای احکام شریعت نمی‌توان صرفاً بر منطق وظیفه‌گرایی اعتماد کرد بلکه مکلف باید به بازتاب‌ها و پیامدهای اجتماعی و انسانی عمل خویش هم توجه نماید.

۲- ریشه‌یابی جرایم جنسی با تأکید بر جرم‌شناسی فرهنگی

از منظر جامعه‌شناختی، مطالعه تحولات اجتماعی ایران نشانگر امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی است. رسیدن فاصله بلوغ جنسی و اقتصادی به ده سال و بیکاری منجر به نوعی وضعیت آنومیک شده است که نتیجه این امر شکل‌گیری نگرش‌های آنومیک و پیدایش ارزش‌های جدید است. امروزه، تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌های شهری بدل شده است.

طبق تحقیقات میدانی، در حال حاضر روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران به حداقل شش دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱- روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری و مبتنی بر پول)؛ ۲- روابط صیغه‌ای؛ ۳- روابط دوست‌دختر دوست‌پسر (مبتنی بر عشق رمانتیک)؛ ۴- روابط هم‌خانگی (ازدواج سفید یا غیررسمی)؛ ۵- روابط ضدعاشقانه (مبتنی بر فریب)؛ و ۶- روابط مبتنی بر عشق سیال (روابط دوستانه با تعهد کمتر) که روابط دسته‌های اول و دوم در گفتمان پیشامدرن و دسته‌های سوم، چهارم و پنجم مدرن و دسته ششم پستمدرن قرار می‌گیرند (آزادارمکی، شریفی ساعی، ایثاری و طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۲). رابرت مرتون، جرم‌شناس آمریکایی، در نظریه فشار بر این مطلب تأکید کرده که ساختارهای اجتماعی چگونه فشار معینی را به بعضی افراد جامعه وارد می‌آورد که به جای هم‌نوایی، ناهم‌نوایی می‌شوند. در این خصوص هم آنومی زمانی پدید می‌آید که در جامعه بر ازدواج و تشکیل خانواده بیشتر از اشتغال و مقدمات آن تأکید شود. احساس محرومیت موجب نارضایتی در افراد شده و این نارضایتی تبدیل به محرکی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت به شیوه‌های جدید می‌شود. فشارهای فرهنگی در کنار سایر عوامل چون احساس نیاز و شرایط اقتصادی موجب پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی در جامعه می‌شود که عامل گسترش روابط جنسی بوده است (آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰، ص ۴۵۴).

در گفتمان غالب فرهنگی جامعه ایران بر ازدواج و تشکیل خانواده بسیار توصیه می‌شود، از این‌رو ازدواج یک ارزش محسوب می‌شود که افراد باید به آن دست یابند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در بند ۱ اصل ۴۳ بر تأمین نیازهای اساسی و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه تأکید شده است و در مقدمه قانون مذکور نیز بیان شده که خانواده کانون اصلی رشد و تعالی خانواده برای همه انسان است و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. همچنین اصل ۱۰ مقرر نموده، خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در راستای تحقق بخشیدن به این آرمان قانون اساسی «قانون تسهیل ازدواج جوانان» مصوب ۱۳۸۴ به توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده توسط دولت تأکید کرده است. علاوه بر دولت، تمام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی طبق

این قانون موظفند در این امر همکاری کنند. دولت مکلف است برای فرهنگ‌سازی ازدواج، جوانان و خانواده‌ها را در جهت کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج تشویق کند. طبق ماده ۶ این قانون دولت باید به منظور نظارت بر اجرای این قانون کمیته سامان ازدواج در استان‌ها را تشکیل دهد.

اما در عمل نه تنها بر قانون اساسی و قانون تسهیل ازدواج جوانان عمل نشده است بلکه موقعیت فعلی از آرمان‌های این قوانین به دور است. اصول ذکر شده در این دو قانون هیچ ضمانت‌اجرایی ندارد. تلاش دیگری که در این راستا انجام شد، ایجاد خانه عفاف در سال ۱۳۸۱ برای تسهیل امر ازدواج و ساماندهی معضل روابط جنسی بود اما مورد تصویب قرار نگرفت. لذا اکنون کسانی که برای تأمین نیازهای اساسی خود مرتکب جرایم جنسی می‌شوند، خود قربانی هستند. اول قربانی سیاست‌های غلط ساختاری، فرهنگی و اقتصادی که منجر به روابط جنسی آنومیک می‌شود و دوم قربانی تدابیر کیفری شدید پس از ارتکاب جرم که منجر به طرد آنها از جامعه می‌گردد.

جرم‌شناسی فرهنگی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است که به هنگام مطالعه جرم، ضمن بررسی متن اجتماعی و فرهنگی ظهور و فعالیت مجرمانه، گفتمان خود را بر اساس سه حوزه «فرهنگ به مثابه جرم»، «جرم به مثابه فرهنگ» و «بازنمایی رسانه» صورت‌بندی می‌کند. منظور از فرهنگ در این فرایند، سبک زندگی، آداب و رسوم و نحوه گفتار و پوشش و معانی مشترکی است که بین گروهی از مردم قابل ردیابی است (فرچیها و الله‌وردی، ۱۳۹۳، ص ۸۸).

منظور از جرم به مثابه فرهنگ، تبدیل رفتارهای مجرمانه به نوعی سبک زندگی و خرده‌فرهنگ است. منظور از فرهنگ به مثابه جرم، جرم‌انگاری و مداخله حقوق کیفری در حوزه فرهنگ است که جنایی‌سازی گفتمان فرهنگی صورت می‌گیرد و برخی جنبش‌های مدنی و فرهنگی در اثر یک سری حوادث، برچسب مجرمانه و انحرافی می‌خورند و طرد می‌شوند.

عامل مهم شکل‌گیری مقوله جرم به مثابه فرهنگ، محرومیت‌ها و نابرابری‌هاست. افراد محروم از ابزارهای قانونی برای حل مشکلات خود، به تعامل با هم‌فکران خود روی می‌آورند و خرده‌فرهنگ‌ها را شکل می‌دهند. این خرده‌فرهنگ‌ها رفتارهای مجرمانه را عادی و مشروع جلوه می‌دهند که گاهی به صورت خشونت‌آمیز و گاهی به صورت مسالمت‌آمیز است. جرایم جنسی نیز در راستای پدیده «جرم به مثابه فرهنگ» قابل تحلیل است. بسیاری از افراد از راه‌های قانونی توانایی ارتباط با جنسی مخالف و رفع نیازهای جنسی را ندارند که این محرومیت از راه‌های مشروع منجر به شکل‌گیری فرهنگ یا خرده‌فرهنگ مجرمانه می‌گردد و جرایمی چون رابطه نامشروع و زنا تبدیل به رفتارهایی عادی شده و از آنها قبح‌زدایی می‌شود. ازدواج دائم تنها راه «فرهنگی» تأمین نیازهای جنسی در ایران است، لذا اگر این راه دست‌نیافتنی باشد، مسلم است که راه‌های فرهنگی دیگری برای رفع این نیازها و محرومیت‌ها ایجاد می‌گردد و سبک‌های زندگی جدیدی برای ارضای نیازها پیدا می‌شود. بدین ترتیب فرهنگی که صرفاً بر ازدواج دائم یا بر کنترل و سرکوب نفس طولانی یا دائمی توصیه کند، طرفدار چندانی نخواهد داشت. فرهنگ تک‌بعدی در جامعه و وجود یک فرهنگ مسلط و غالب که فرهنگ‌های دیگر را طرد و نفی کند، دوام نمی‌آورد.

این مسئله گاهی منجر به اخلال در نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه هم می‌شود. دست نیافتن به فرهنگ و ارزش غالب - ازدواج دائم - و افزایش محرومیت‌ها در این خصوص موجب می‌شود نیازهای جنسی از طریق برخی سایت‌های مستهجن و برنامه‌های نرم‌افزاری دیگر و سکس مجازی یا در برخی مکان‌های عمومی و نامناسب دیگر رفع شود که منجر به اخلال فرهنگی و اجتماعی می‌شود. ارتکاب اعمال جنسی در چنین مکان‌هایی جرم مشهود محسوب شده و مقامات پلیسی و قضایی حق تحقیق و تعقیب را خواهند داشت.

اگر مقررات کیفری قابلیت انطباق با فطرت بشر و فرهنگ های جامعه را نداشته باشد، همواره به زیان مردم خواهد بود. زیرا مردم یا مجبورند محدودیت‌ها را بپذیرند و یا با آن مقابله کنند. پذیرا شدن آن موجب از دست رفتن آزادی و مقابله با آن موجب تحمل مجازات می‌شود و ممکن است موجب اعتراض بیشتر مردم گردد. از این رو، قانون ناعادلانه مصداق خشونت است و اگر قانون کیفری حق متفاوت بودن و سبک‌های زندگی را به رسمیت نشناسد می‌تواند خشونت‌زا باشد که منجر به نافرمانی مدنی می‌شود (حمزه زینالی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۳). مردم دو نوع واکنش به این نوع قوانین نشان می‌دهند: یا آن را می‌پذیرند ولی در موقعیت‌های دیگر مرتکب جرم شده و در واقع قانون را دور می‌زنند تا جرمشان کشف نشود؛ یا اینکه قانون شکنی می‌کنند و در نتیجه موجب مجازات و برچسب‌زنی می‌شود. اکنون ماده ۶۳۷ ق.م.ا در عمل متروک و خنثی شده است زیرا افراد زیادی به خصوص جوانان مرتکب جرم موضوع این ماده می‌شوند. این ماده قانونی تلویحاً به این امر اشاره دارد که تنها راه رفع نیازهای جنسی ازدواج است و هر راه دیگری غیر از این تا ۹۹ ضربه شلاق خواهد داشت. این یعنی طرد و سرکوب فرهنگ مردم جامعه که نتیجه آن، قانون شکنی است. قانون می‌خواهد در این خصوص از امنیت اخلاقی حمایت کند، اما خود این قانون حامی چندانی ندارد. در نتیجه، قانون و کیفر نمی‌تواند با فرهنگ مقابله کند و در جدال قانون و فرهنگ، قانون است که شکست می‌خورد و طرد می‌شود و فرهنگ ممکن است باقی بماند. چیزی که می‌تواند با فرهنگ مقابله کند، فرهنگ است که با استدلال، علم، منطق و اقتناع می‌تواند فرهنگ‌های دیگر را شکست دهد.

از یک سو رسانه‌ها هم در شکل‌گیری و تغییر فرهنگ بی‌تأثیر نبوده‌اند. با گسترش رسانه‌های جمعی و ایجاد دهکده جهانی، فرهنگ‌های مختلف دیده شده و آموخته می‌شوند. با توجه به اینکه امروزه در اغلب کشورها آزادی جنسی وجود دارد و بعد از انقلاب جنسی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و جنبش عشق آزاد در آمریکا و کشورهای دیگر، روابط جنسی دختران و پسران آزاد شده است، لذا این سؤال در ذهن افراد ایرانی مطرح می‌شود که چرا در ایران این اعمال ممنوع است و پاسخ قانع‌کننده‌ای هم نمی‌یابند و قانع نمی‌شوند. ممکن است دلایلی چون حاملگی ناخواسته و بیماری‌های مقاربتی بیان شود، اما امروزه با پیشرفت و آموزش‌های صحیح از چنین مشکلاتی جلوگیری می‌شود. شاید بتوان گفت علت حکم ممنوعیت روابط جنسی نامشروع از بین رفته است و وقتی علت از بین رفته باشد، حکم هم از بین خواهد رفت.

به این دلیل یک بحث معرفت‌شناختی ایجاد می‌شود که مثلاً وقتی گفته می‌شود فلان فیلم را نبین، اولین چالش که در ذهن به وجود می‌آید این است که از کجا می‌دانید آنچه شما می‌فهمید درست باشد؟ در موضوعی مانند بستن کمربند ایمنی روشن است که برای تضمین سلامت است اما در موارد فرهنگی مسئله به این سادگی نیست. لذا هزینه‌های درگیری با جامعه در امور فرهنگی و اخلاقی زیاد است. وقتی از فرهنگ صحبت می‌شود، از امر امنیتی، سیاسی و مخفی صحبت نمی‌شود. از این رو، در مقام قانونگذاری فرهنگی به حق انتخاب افراد باید احترام گذاشته شود و نگاه حق‌محور به سیاست‌گذاری فرهنگی داشت نه نگاه تکلیف‌محور (نوبهار، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰).

اکنون وضعیت جامعه ایران در حوزه مسائل جنسی و خانوادگی در وضعیت آنومیک است و در بی‌نظمی به سر می‌برد. افزایش طلاق، خیانت تجرد قطعی، هم‌جنس‌گرایی، آزارهای جنسی در مدارس و کودک‌آزاری و روابط نامشروع، نشانگر این مسئله است که قوانین حاکم بر ایران نتوانسته‌اند در حوزه مسائل جنسی نظم ایجاد کنند. لذا ناهنجاری جنسی از تبعات قوانین نامناسب و غیرموثر است. برای برون‌رفت از این وضعیت و ایجاد نظم در حوزه مسائل جنسی، لازم است مقررات کیفری ایران مورد بازبینی قرار گیرد.

نکته مهم در کیفردهی به مرتکبان جرایم جنسی توأم با رضایت طرفین این است که از منظر کیفرشناختی امروزه هیچ‌یک از اهداف کیفرها در مورد این مجرمان محقق نمی‌شود. کیفر مرتکبان زنا یا روابط نامشروع منجر

به اجرای عدالت نمی‌گردد چون حقی از کسی ضایع نشده است، همچنین موجب ارباب نیز نمی‌شود چون کیفر آنان موجب برچسب‌زنی، طرد و تجری بیشتر آنان گشته و همچنین منجر به تکرار جرم خواهد شد. هدف سزادهی، اصلاح و درمان نیز نمی‌تواند تأمین شود چون این مرتکبان معمولاً قبحی برای جرم خود قائل نبوده و ارتکاب این اعمال را حق طبیعی و انسانی خود می‌دانند خصوصاً اینکه در اکثر جوامع دنیا از جرایم جنسی توأم با رضایت جرم‌زدایی شده است. نظر اسلام هم در این خصوص صرفاً کیفر و سرکوب نیست بلکه تهذیب نفس انسان‌ها از طرقی دیگر غیر از کیفر است. از طرفی، وقتی احکام الهی در جامعه اجرا می‌شود، این احکام و وجهه اجتماعی و انسانی پیدا می‌کنند و پیامدهای انسانی و اجتماعی خواهند داشت. کیفر چنین مجرمانی منجر به تنفیر از دین و روی گردانی جوانان از دین می‌شود. در نتیجه باید گفت مجازات جرم رابطه نامشروع که موجب برچسب‌زنی و محرومیت از حقوق انسانی و اجتماعی می‌شود، امروزه ناعادلانه است.

«ویلهللم رایش»^۱ روان‌شناس اتریشی سرکوب میل جنسی را زمینه پرورش افراد مطیع برای حکومت‌های دیکتاتوری می‌دانست. لذا ملتی که با تربیت پدرسالارانه، بازدارنده و سرکوبگرانه امیال جنسی بزرگ می‌شود، توانایی تعقلش آسیب می‌بیند، اضطراب در وجودش چنبر می‌زند و نیروی تَمَرَدش فلج می‌شود؛ به نظر رایش مشکلات شخصیتی و روان‌نژندی ناشی از عدم ارضای جنسی طبیعی است. به علت آنکه علائم روان‌نژندی قادر به تخلیه کامل انرژی جنسی نیستند، انرژی جمع شده و در وجود فرد به عنوان تنش بدنی ظاهر می‌شود. انرژی جنسی می‌تواند به اضطراب بدل شده یا به شکل سادیسیم و ستیزه‌جویی ظاهر شود. به عنوان مثال، کودکی که متعلق به طبقه کارگر است از والدین خود می‌آموزد که میل جنسی‌اش را سرکوب کند. از این‌رو در بزرگسالی سرکش می‌شود و انگیزش جنسی موجب اضطراب وی خواهد شد (https://en.wikipedia.org/wiki/The_Mass_Psychology_of_Fascism). رایش اعتقاد دارد اخلاقی که تمایلات طبیعی زندگی را با فاحشگی یکسان انگارد، به دیکتاتوری مبدل می‌شود. چنین اختلاطی، شادی و عشق طبیعی را مانع می‌شود. عنوان غیراخلاقی دادن به کسانی که به جای قوانین اجباری و غیرطبیعی، برطبق قوانین درونی و طبیعی خود رفتار می‌کنند، گناهی نابخشودنی است. ریاکاری اخلاقی خطرناک‌ترین دشمن اخلاق ذاتی و طبیعی است و با وضع قوانین اخلاقی اجباری و خشک نمی‌توان به جنگ ریاکاری اخلاقی رفت. لذا لازمه رفتار نیک آن است که فرایند زندگی و جنسی به طور طبیعی و آزاد رشد کنند (رایش، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

ابراهام مازلو، روان‌شناس آمریکایی، سلسله‌مراتب نیازهای انسان را دسته‌بندی کرده است که عبارت‌اند از: ۱- نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک مانند خوراک، پوشاک، خواب، مسکن و نیاز جنسی؛ ۲- نیازهای ایمنی مانند امنیت جانی و مالی؛ ۳- نیاز به عشق و محبت مانند خانواده؛ ۴- نیاز به احترام؛ و ۵- نیاز به خودشکوفایی. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نیازهای جنسی در پایین‌ترین سطح قرار دارد و از نیازهای ابتدایی انسان است. هریک از نیازهای طبقه پایین باید رفع شوند تا انسان بتواند به نیاز بالاتر برسد. از نظر مازلو ارضای خوب نیازها موجب پیدایش نیازهای بالاتر می‌شود. لذا عدم رفع نیاز جنسی می‌تواند موجب مشکل در دستیابی به مراتب بالای نیازها و در نتیجه مانع خودشکوفایی انسان باشد. بیشتر جرایم و جنایات در جوامع بشری سر همین نیازهای دسته اول و ناشی از عدم رفع یا محدودیت در آنهاست، زیرا با بقای انسان رابطه مستقیمی دارند. تا زمانی که ذهن فرد درگیر رفع نیاز جنسی است، نمی‌تواند به نیازهای بالاتر دست یابد. اگر جامعه و دولت به نیازهای انسانی توجه نکنند، انسانی هم حاکم نخواهد بود.

از لحاظ برخورد قانونی با روابط جنسی نامشروع، عده‌ای پیشنهاد داده‌اند با توجه به واقعیات روز جامعه ایران و جهانی شدن فناوری و فرهنگ شاید بهتر باشد در لایحه تعزیرات که در حال نگارش است، بحث مداخله حاکمیت در تعیین حدود و ثغور رفتارهای غیراخلاقی و مغایر عفت جنسی و عمومی به نحوی سامان یابد که شفافیت در جرم‌انگاری و تنویر رکن مادی جرم مذکور به نحوی تقنین شود که موجب خروج موارد قطعاً غیرمصدق رفتار مغایر عفت و مستحق کیفردهی بشود؛ تا نه تورم کیفری و نه ارفاق غیربایسته، هیچ یک صورت نپذیرد و در برخی موارد هم جرم‌زدایی لازم است (جوانمرد، ۱۳۹۵، ص ۳۱). برخی هم گفته‌اند که در نظام کیفری ایران انطباق قوانین کیفری با موازین شرعی مسلم و انکارناپذیر است و بدین ترتیب جرم‌زدایی در قلمروهایی چون حدود به دلیل مبنای تغییرناپذیر آنها قابل تصور نیست، ولی در محدوده تعزیرات به ماده ۶۳۸ ق.م.ا اشاره کرده‌اند که قابل اصلاح است چون قانونگذار دامنه جرم‌انگاری این ماده را تا مرز بی‌نهایت گسترش داده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵).

با توجه به اینکه این تحقیق از بُعد حقوقی و جرم‌شناختی درصدد ارائه راهکار است، به گمان نگارنده با عنایت به مطالبی که در این تحقیق مورد بحث قرار گرفت، می‌توان روابط جنسی توأم با رضایت طرفین بین زن و مرد مجرد را مشروعیت بخشید و از آنها جرم‌زدایی کرد. زیرا:

اولاً، با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی در شرایط فعلی امکان ازدواج برای بسیاری از افراد در سن ازدواج محال یا بسیار دشوار شده است. تنها راه مشروع رفع تمایلات و نیازهای جنسی هم ازدواج است. در این شرایط آنومیک که بین هدف و راه رسیدن به هدف تعارض و تناقض وجود دارد و راه مشروع بسته است و راه نامشروع هم موجب کیفر و طرد است، باید راه سومی وجود داشته باشد. اگر بتوان قدری در روابط بین مرد و زن مجرد آزادی ایجاد کرد، موجب پیشگیری از مشکلات می‌شود و جرایمی چون تجاوز جنسی ممکن است کاهش یابد. در این صورت دفع فاسد به افسد هم رخ نمی‌دهد چون کیفر مرتکبان جرم نامشروع موجب مفسده‌های فراوانی مانند برچسب زنی گردیده است. تا امنیت اقتصادی حاکم نباشد، امنیت اخلاقی هم در جامعه وجود نخواهد داشت و از راهکارهای پیشگیری از جرایم جنسی، ایجاد امنیت اقتصادی است؛

ثانیاً، با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه با ایجاد دهکده جهانی و رسانه‌های گسترده، قبح ذاتی جرایم جنسی توأم با رضایت قدری از بین رفته است و جوانان حق طبیعی و انسانی خود می‌دانند که بتوانند با جنس مخالف ارتباط داشته باشند. این مسئله تبدیل به فرهنگ و سبک زندگی و به تعبیر جرم‌شناسان فرهنگی «جرم به مثابه فرهنگ» شده است. زمانی که قانون با انتظارات و فرهنگ مردم جامعه سازگاری نداشته باشد، تبدیل به قانون متروک و مطرود می‌گردد و نمی‌توان از طریق مداخله کیفری برای برقراری اخلاقیات در جامعه، روابط جنسی افراد را سرکوب کرد. زمانی که تنها راه فرهنگی برای ارضای نیازهای جنسی یعنی ازدواج دائم مسدود باشد، فرهنگ‌های دیگری شکل خواهند گرفت که قسمتی از این فرهنگ‌ها، انحرافات قبیح جنسی است. لذا قانون کیفری نباید به عنوان اولین راه حل اقدام به سرکوب بنماید. پدیده تجرد قطعی ممکن است موجب افزایش فحشا و سقط جنین و ناهنجاری‌های دیگر شود؛ حال به نظر می‌رسد آزادی روابط برای دختران و پسران جوان مجرد می‌تواند از تجرد قطعی جلوگیری نماید و تا حدودی روابط قاعده مند شود که این قطعاً از فحشا بهتر خواهد بود. لذا برای برون رفت از وضعیت آنومیک جنسی حاکم بر ایران، به نظر می‌رسد می‌توان روابط جنسی خارج از ازدواج دائم را که مبتنی بر رضایت باشد با شرایطی مشروعیت بخشید و جرم‌زدایی کرد.

ممکن است گفته شود قرار بر این نیست که هرگاه هر جرمی تبدیل به فرهنگ شود، باید از آن جرم‌زدایی گردد؛ مثلاً جرایم خطرناکی چون تخریب محیط‌زیست یا سرقت و قتل هم می‌توانند تبدیل به سبک زندگی و

فرهنگ شوند اما هیچ گاه بحث جرم‌زدایی از آنها مطرح نمی‌شود. در پاسخ باید گفت که چنین جرایمی آسیب‌های فراوانی بر دیگران وارد می‌کنند و معیارهای قابل قبولی برای جرم‌انگاری آنها موجود است و مهم‌تر اینکه ناشی از فطرت و غریزه انسان هم نیستند و دارای قبح ذاتی هستند. اما روابط جنسی همراه با رضایت طرفین ناشی از طبیعت و غریزه انسان است که به سختی قابل دفع است. به عبارتی انسان در زندگی روزمره خود با این مسئله سروکار دارد و چیزی نیست که بتوان از آن گریخت، اما جرایم دیگر این‌طور نیستند.

بدین ترتیب برخلاف میل جنسی، میل به دزدی و ضرب و جرح یا قتل از اقتضات زندگی روزمره نیستند مگر در موارد نادری که فرد دچار مشکلات روانی باشد. مقاومت در برابر میل به ارتکاب این جرایم غالباً بر تکامل یا تعادل زندگی عاطفی فرد و شخصیت او تأثیر نمی‌گذارد؛ حال آنکه سرکوب امیال جنسی عموماً در این موضوع تأثیرگذار است. لذا قوانین مربوط به اخلاق جنسی ممکن است مشکلات اجتماعی جدی ایجاد کنند زیرا هم مشکلات ناشی از سرکوب امیال جنسی و هم پیامدهای این سرکوب، از مشکلات و پیامدهای امتناع از یک جرم معمولی، کاملاً متفاوت‌اند (هارت، ۱۳۸۸، ص ۳۶-۳۷).

ثالثاً از منظر فقهی و آموزه‌های اسلامی می‌توان گفت که برخی فقها موافق تعطیل اقامه حدود در زمان غیبت هستند و به جای اقامه حدود، اجرای تعزیرات را جایگزین می‌کنند. هرچند این نظر در سیاست کیفری ما مورد پذیرش قرار نگرفته است اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرده‌اند که تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و هیچ فردی نباید مورد پرسش قرار گیرد مگر در موارد استثنا. این امر مطابق قاعده درأ و منع تجسس و بزه‌پوشی جرایم جنسی در اسلام است که اثبات آنها را بسیار دشوار می‌کند. با این حال در جرم رابطه نامشروع و منافی عفت رویه قضایی واحدی وجود ندارد که منجر به تضييع آزادی‌های افراد گردیده است. دلایل روایی برای این جرم وجود دارد اما از موارد گناهان کبیره نیست تا موجب تعزیر باشد. متون روایی در این خصوص را می‌توان با توجه به بسترهای انسانی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر تفسیر نمود. در تعزیرات هم احکام تعبدی وجود ندارد.

طبق قاعده حرمت تنفیر اگر عمل به برخی احکام اسلام موجب روی‌گردانی و نفرت مردم از دین شود، شرع مایل به اجرای آن نیست. از طرفی کیفردهی به این جرم موجب تحقق اهداف مجازات‌ها نشده است. اسلام در خصوص نیازهای جنسی - برخلاف مسیحیت - چندان سختگیر نیست و به ازدواج (موقت یا دائم) تشویق می‌کند و مخالف تجرد طولانی است. اما زمانی که راه مشروع مسدود است، مجازات کردن کسانی که راه نامشروع را انتخاب کرده‌اند، به مصلحت نیست. تعزیر هم تابع مصلحت است و مصلحت امروزه این نیست که روابط آزاد جنسی توأم با رضایت مجازات شود چون دفع فاسد به افسد رخ خواهد داد اما این پیشنهاد به معنای آزادی کامل جنسی یا لودگی جنسی نیست. به عبارتی، از جواز رابطه آزاد زن و مرد مجرد، جواز جرایم جنسی دیگر استنباط نمی‌شود. بدیهی است جرایم جنسی توأم با عنف و اکراه، رابطه جنسی با نابالغان، رابطه جنسی با محارم و حیوانات و مردگان، زنا در ملأعام و روابط جنسی بین زن و مرد متأهل همچنان باید در محدوده مداخله حقوق کیفری باشند. چون دلایل کم‌وبیش قانع‌کننده‌ای برای جرم‌انگاری آنها وجود دارد. اما روابط بین زن و مرد مجرد با عنایت به استدلال‌های مذکور، مخل امنیت جامعه نیست و می‌توان از آن جرم‌زدایی نمود تا وضعیت آنومیک و غیرعادی جامعه ایران در حوزه روابط جنسی تعدیل شود و عقده‌های جوانان کاهش یابد. لذا اکنون چنین روابطی نه تنها ضرری ندارد بلکه می‌تواند فایده‌هایی هم داشته باشد. امید است قانونگذار این مسئله را در هنگام بازبینی بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مورد عنایت قرار دهد.

نتیجه

قانونگذار ایران برای حمایت از امنیت اخلاقی اقدام به جرم‌انگاری‌های گسترده در حوزه جرایم جنسی کرده است. اما نتیجه این سرکوب کیفری، افزایش روزافزون جرایم و روابط جنسی بوده است. دستگاه قانونگذاری ایران، به هنگام جرم‌انگاری رفتارهایی که در فقه امامیه گناه محسوب شده و برای آنها کیفر معین در نظر گرفته شده، هیچ توجهی به مبانی جرم‌انگاری این رفتارها ندارد و در نتیجه برای یافتن این مبانی، باید به متون دینی و روایت‌های معصومین مراجعه کرد که در عصر حاضر چنین مسئله‌ای دشوار است. از طرفی اجرای برخی کیفرهای اسلامی در عصر حاضر موجب تنفیر از دین می‌شود که شرع مقدس راضی به آن نیست. لذا مقنن ایران در جرم‌انگاری روابط جنسی به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز ایران درخصوص روابط جنسی توجهی نکرده و عنصر مصلحت را در جرم‌انگاری روابط جنسی موجب تعزیر رعایت ننموده است.

این مسئله با توجه به مقوله فرهنگ قابل بررسی است. جرم‌شناسی فرهنگی رفتارهای مجرمانه را در قالب «جرم به مثابه فرهنگ» و «فرهنگ به مثابه جرم» بررسی می‌کند که در حوزه جرایم جنسی می‌توان گفت با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی امروز ایران و افزایش فاصله بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی، روابط جنسی خارج از ازدواج و انحرافات جنسی و آسیب‌هایی چون تجرد قطعی در حال افزایش است که تبدیل به فرهنگ یا خرده‌فرهنگ و نوعی سبک زندگی شده است. از طرفی مداخله کیفری برای سرکوب و نفی این فرهنگ‌ها به بحران جنسی جامعه دامن می‌زند. تنها راه رفع نیاز جنسی در ایران، ازدواج (به‌خصوص دائم) است که این راه برای بسیاری از جوانان مسدود است و لذا وضعیت آنومیک جنسی پدید آمده است. گفتمان فرهنگی غالب بر ازدواج دائم و تشکیل خانواده تأکید می‌کند و راه‌های فرهنگی دیگر از طریق جرم‌انگاری روابط آزاد جنسی سرکوب می‌شوند. در نتیجه چنین فرهنگ غالبی که انتظارات واقعی جوانان و شرایط روز را در نظر نمی‌گیرد، مطرود می‌شود و طبیعتاً قانون کیفری که در حوزه‌های فرهنگی جامعه مداخله می‌کند و هر راه دیگری برای ارضای تمایلات جنسی - غیر از ازدواج رسمی - را مجازات می‌کند، تبدیل به قانون متروک و مطرود می‌گردد. هدف اصلی ازدواج رفع نیازهای جنسی نیست تا تنها راه رفع این نیازها ازدواج باشد. برای خروج از آنومی جنسی در شرایط فعلی می‌توان روابط جنسی خارج از ازدواج دائم مرد و زن را که مبتنی بر رضایت باشد با شرایطی مشروعیت بخشید و جرم‌زدایی کرد. کیفر این عمل امروزه در جامعه موجب مشکلات و عسر و حرج برای جوانان شده است و هیچ‌یک از اهداف مجازات‌ها در کیفردهی به این عمل محقق نشده است. لذا مجازات جرم رابطه نامشروع امروزه ناعادلانه است. همچنین رابطه نامشروع از گناهان کبیره در اسلام نیست و روایات موجود در این خصوص را نمی‌توان به همه موارد به طور مطلق تسری داد و باید این روایات را در بسترهای فرهنگی جامعه تفسیر نمود. نهایتاً باید اذعان نمود که روابط آزاد بین زن و مرد مجرد مخل امنیت اخلاقی جامعه نخواهد بود چون این روابط قصد برهم زدن امنیت جامعه را ندارند بلکه در پی ارضای نیازهای انسانی و طبیعی هستند.

منابع:

فارسی

۱. کتاب

۱. جعفری، مجتبی. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲. حمزه زینالی، امیر. (۱۳۸۸). مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ و چالش‌های فراروی آن. تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۳. رایش، ویلهلم. (۱۳۸۲). کشف انرژی ارگن، روان‌شناسی در عمق: کارکرد ارگاسم، ترجمه استپان سیمونیان، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
۴. زراعت، عباس. (۱۳۹۲). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۵. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۲). قواعد فقه بخش جزایی، چاپ بیست و هشتم، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
۶. نوبهار، رحیم. (۱۳۹۵). چالش‌های قانونگذاری در حوزه فرهنگ. مندرج در «درآمدی بر قانونگذاری فرهنگی». مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، به کوشش محمدحسین باقری‌فرد، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

۲. مقاله

۱. آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. فصلنامه خانواده‌پژوهی. شماره ۲۸، سال هفتم.
۲. آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره دوم، سال دوم.
۳. آقابابایی، حسین. (۱۳۸۹). قلمرو امنیت در حقوق کیفری. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ایران، فصلنامه خانواده‌پژوهی. شماره ۲۸، سال هفتم.
۴. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۵). رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع. دوفصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری). شماره ۱، سال اول، ۳۳-۲۷.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۴۱.
۶. فرجیها، محمد و الله‌وردی، فرهاد. (۱۳۹۳). رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان. آموزه‌های حقوق کیفری. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۷.
۷. قدسی، سید ابراهیم و پورزرین، علی. (۱۳۸۳). نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی. مطالعات اسلامی، شماره ۶۷.
۸. مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۸). بستر معنوی و عقلایی علم فقه. نشریه کیان. شماره ۴۶.
۹. محمدی جورکویه، علی. (۱۳۸۸). سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی. فصلنامه حقوق اسلامی. دوره ۷، شماره ۲۴.

۱۰. محمودی چانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز. (۱۳۹۲). توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها. پژوهش حقوق کیفری. شماره سوم، سال دوم.
۱۱. مهریزی، مهدی و دانش‌پژوه، وهاب. (۱۳۹۵). قرآن و جرم‌انگاری حداقلی. نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی. شماره دوازدهم، سال هفتم.
۱۲. نوبهار، رحیم. (۱۳۸۴). بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین. مجله تحقیقات حقوقی. (یادنامه دکتر شهیدی).
۱۳. ----- (۱۳۹۰). اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری. آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی. شماره ۱.
۱۴. ورورایی، اکبر؛ سعادت، رضا و هاشمی، حمید. (۱۳۹۳). تأثیر اخلاق در جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران. پژوهش حقوق کیفری. شماره هشتم، سال سوم.
۱۵. هارت، هربرت. (۱۳۸۸). الزام قانونی اخلاق، ترجمه محمد راسخ، آیین، شماره ۲۴ و ۲۵.

۳. سایت

۱. آفتاب‌نیوز، پایگاه خبری. (۱۳۹۶). آمار تکان‌دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران، کد خبر: ۴۵۶۸۱۹.
۲. ایسنا، سایت خبری. (۱۳۹۷). چرا جامعه دچار بحران جنسی شده است؟، کد خبر: ۹۷۰۲۱۷۰۹۲۵۱.
۳. تبیان، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی. (۱۳۹۶). گرسنگان جنسی.
۴. جماران، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری. (۱۳۹۳). گزارش تکان‌دهنده از روابط جنسی نامشروع در ایران، کد خبر: ۵۲۱۶۰.
۵. نوبهار، رحیم. (۱۳۹۴). اخلاق‌گرایی و حریم خصوصی. درسنامه حقوق بشر. سایت رسمی رحیم نوبهار.
۶. هشترودی، می‌گل. (۱۳۹۷). آیا انقلاب جنسی در راه است؟! آژیر قرمز بحران جنسی به صدا درآمده است، تندرست‌نیوز، کد خبر: ۵۶۹۵.

۴. سایر منابع

- خدابخشی، علی. (۱۳۹۰). حمایت حقوق کیفری از اخلاق و ارتباط آن با آزادی و حریم خصوصی اشخاص در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان.

غیر فارسی:

۱. سایت

- <https://edition.cnn.com/2015/02/26/asia/south-korea-adultery/index.html>.
- https://en.wikipedia.org/wiki/Adultery#cite_note-182. Accessed September 2018.
- <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/swedish-court-rules-that-it-is-okay-to-masturbate-in-public-8826589.html>, 2013. Accessed August 2018.

۲. سایر منابع

Barker, Meg; Iantaffi, A.; Gupta, C. (2007). "Kinky Clients, Kinky Counselling? The Challenges and Potentials of BDSM" (PDF). Open Research Online. Routledge. Retrieved 12 January 2011.